



بود که نوشتن یادداشت و حرف‌های صدمن یه‌غاز هیجانی روزمره، بدل به تجهری اُولی در مطبوعات شد که گزارش‌نویسی را به حاشیه برد. همه می‌خواستند مش‌های گره‌کرده‌شان از توی متن بیایید، بخورد به فک فلان سیاستمدار تندرو، ولی در دوران جنگ ما با ویتربنی از دُردانه‌های اجتماعی نویس مواجه شدیم که گزارش‌نویس‌اند و گزارش‌هایی با تکنیک‌های مختلف نوشتند و اهم امورشان هم عیان کردن حقیقت زمخت و زشت جنگ بر مبنای پژوهش میدانی بود. اگر بنا باشد مسیری برای بازگشت به دوران رونق کار مطبوعاتی پیدا کنیم، این مسیر مهمی است یعنی ارج‌دادن به گزارش‌نویسی. راستی می‌دانید که این روزنامه‌نویسان یک‌شبه به اینجا نرسیدند، غریب به دوازده‌هسته و پیوسته پیش آمدن است که شما را در بزنگاهی این‌چنینی می‌تواند جلوه گر کند.

دوران مهیبی بود که روابان با همه‌ی ترس و لرزه‌ها، از کار نایستادند. کلاهم را از سر برمی‌دارم و متمن را با نوشتن اسامی این نویسندگان، البته تا جایی که به‌خاطر دارم، به پایان می‌رسانم؛ الهه محمدی، نیلوفر حامدی، فاطمه علی‌اصغر، الناز محمدی، مهتاب جودکی، ساراسبزی، نسیم سلطان بیگی و فاطمه باباخانی.

از دیگر کشورها در دیگر مناطق جنگی مانند فلسطین، لبنان و اوکراین. چرا عملکرد روزنامه‌نگاران ایرانی تا این حد دیده و تحسین شد؟ اول، از آنجا که به کشف واقعیت و آشکار کردن حقیقتی می‌پرداخت که واقعیت و دغدغه زندگی خود مردمی بود که جنگ و مرگ بر آنها اعمال شده بود و دوگانه‌های برساخته‌ای مانند نظامی/غیرنظامی یا توهماتی مانند «قطه‌رزی» را می‌شکست. واقعیتی که قدرت‌های جنگی و رسانه‌های آنها در داخل ایران باشند یا خار ج آن نه‌تنها به آن اهمیتی نمی‌دهند، بلکه با خدمت گرفتن و استثمار درد و فریاد، روایت‌های کلی و سرشار از اطلاعات گمراه‌کننده و جعلی می‌سازند که به درد «جنگ روایت‌ها در سیاست» می‌خورد، نه زندگی افراد در جامعه، و نه آنچه بر آن عاقدانه پوشش گذاشته می‌شود.

دوم، خیلی سخت نیست که بفهمیم روزنامه‌نگاری در ایران سخت است. در همین جنگ چقدر، با روزنامه‌نگاران همراهی شد و کار آنها تسهیل شد؟ مگر نه اینکه با هزار محدودیت از جانب دولت و نهادهای حاکم مواجه بودند؟ آن هم محدودیت‌هایی که روزنامه‌نگاران می‌دانند شکلی

از تبعیض دارد و برای روزنامه‌نگاران مشابهی که وابستگی دولتی داشته باشند یا حتی «خارجی» باشند و در سلسله‌مراتب برتری جویانه بالاتر از آنها قرار بگیرند وجود ندارد یا کمتر است؟ مگر نه اینکه روزنامه‌نگاران از هیچ بیمه و امنیتی بر خوردار نیستند، حقوق عادلانه نمی‌گیرند، کارت، جلیقه خبرنگاری و... ندارند و دغدغه، تعهد و عشق آنها به این حرفه است که باعث می‌شود پنج دقیقه بعد از خبر هر حمله‌ای، قبل از حتی نیروهای انتظامی آنجا باشند و با مردم مصاحبه کنند؟

اما آنچه از همه بیشتر من را آزار می‌دهد، انتظار نهادها و رسانه‌های قدرتمند و در نتیجه تأثیرگذار بر افکار عمومی، از روزنامه‌نگاران مستقل برای این است که دستیار پروپاگاندا یا حداقل کارشناسان روابط عمومی باشند. انتظار اینکه آنچه را گزارش دهند که آنها می‌خواهند، از کلماتی استفاده کنند که آنها می‌خواهند و روایتی را بر جسته کنند که آنها می‌خواهند. هر چه بنویسند از یک طرف متهم می‌شوند به خودفروختگی و جاسوسی یا از آن طرف، مدح و تقدیس می‌شوند به شرف‌داشتن و وطن‌پرست‌بودن. در صورتی که اگر دو روز دیگر، باز بنا بر

مجید رضاییان

استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم

من عملکرد خبرنگاران را در دوره جنگ ۱۲ روزه به سه سطح تقسیم می‌کنم. در هر

بحرانی سطح اول پوشش خبری، روایت‌های میدانی، مشاهده و حضور خبرنگار در نقاط مختلف است. باید قبول کنیم پوشش میدانی رسانه‌ها از آنچه در جنگ ۱۲ روزه اتفاق افتاد، نمره‌ای متوسط دارد؛ چون خبرنگاران و رسانه‌ها می‌ما در بعضی نقاط حضور نداشتند و این پوشش میدانی به کمک شبکه‌های اجتماعی انجام شد. از سوی دیگر، خبرنگاران در برخی نقاط حضور داشتند و گزارش‌ها و عکس‌های موردنظر را تهیه کردند. باید یادمان باشد در بحران‌هایی مانند جنگ، سیل و موارد دیگر، سطح اول و آنچه اهمیت بسیار زیادی دارد، پوشش خبری است.

سطح دومی که باید درباره آن بیشتر صحبت کنیم، تایمینگ (پوشش خبری لحظه‌ای) است. بعد از هر حادثه‌ای می‌توان چندین خبر در بازه‌های زمانی مختلف منعکس و تا پایان رویداد آن را ادامه داد. نمونه آن حادثه ۱۱ سپتامبر است که در ساعت اول، دو هزار خبر توسط رسانه‌ها منتشر شد. بعد از وقوع یک حادثه ممکن است ظرف شش ساعت، حدود هفت تا هشت خبر منتشر شود؛ روندی که به آن تایمینگ گفته می‌شود و بر مبنای زمان، پوشش خبری زنده و لحظه‌ای صورت می‌گیرد و سطح مهمی از کار خبری محسوب می‌شود.

در زمان جنگ ۱۲ روزه رسانه‌ها تلاش خود را انجام دادند، اما در اکثر موارد پوشش‌های لحظه‌به‌لحظه حتی توسط رسانه‌های محوری رخ نداد. تایمینگ یکی از ملاک‌های بسیار مهم پوشش خبری است که عناصر استاتیک اطلاعات خبری مربوط به رویداد را در بر می‌گیرد و به آنها پاسخ می‌دهد. اطلاعات رویداد در خبرهای بعدی براساس تایمینگ تکمیل می‌شود. در این سطح ملاک ما تایمینگ، سرعت و واکنش بسیار سریع و تکمیل عناصر استاتیک؛ یعنی پاسخ به کیستی، چستی،

وظیفه، رخدادی را گزارش دهند که باب میل طرفین نیست، روی سکه برای هردو جبهه خواهد چرخید. و در هردو صورت با حمله و آزار مجازی و واقعی مواجه هستند.

روزنامه‌نگاران ایرانی در تجربه کوتاه‌مدت خود از روزنامه‌نگاری جنگ، سربلند بیرون آمدند. آنها با جنگ رقصیدند و به ساز جنگ نرقصیدند. وقت‌اش رسیده که از عینیت در روزنامه‌نگاری و حقوق، آزادی و استقلال خبرنگاران محافظت شود. وقت‌اش رسیده که به امنیت روزنامه‌نگاران شجاع و دستمزد شایسته و حقوق صنفی آنها توجه شود. وقت‌اش رسیده که روزنامه‌نگاران را روابط عمومی چی نهاد‌های قدرت ندانیم. وقت‌اش رسیده به آنها اعتماد کنیم که کارشان را بلدند و از همتایان‌شان در کشورهای پیشرو چیزی کم ندارند. اما هم‌زمان، وقت‌اش رسیده که برای آنها کارگاه‌ها و دوره‌های واقعیت‌سنجی، گزارش‌دهی میدانی و... برگزار شود و برای آینده‌ی پرخطر در کشوری که از هر سوبا بحران‌های اجتماعی، سیاسی، نظامی و محیط‌زیستی روبه‌روست، آماده‌تر شوند. ما جز خودمان، کسی را نداریم.

گفتار پژو هشگر

نمره متوسط به رسانه‌ها در جنگ ۱۲ روزه

زمان و مکان رویداد است.

رسانه در سطح سوم یعنی تکمیل پرسش‌ها، تعقیب خبری (فال‌آپ) و پاسخ به ابهامات بهتر عمل کردند. در این سطح باید به عنصر چگونگی و چرایی پاسخ داده شود. در این شاهد بودم که رسانه‌های ما در این سطح ورود کرده و با مصاحبه‌های تکمیلی به پرسش‌های افکار عمومی پاسخ می‌دادند، به همین دلیل اعتقاد دارم که سطح سوم در رسانه‌های ما پررنگ‌تر بود.

در مجموع به عملکرد رسانه‌ها در این دوران نمره متوسط می‌دهم؛ چون سطح پوشش‌های خبری آنها از نظر حضور میدانی و تکمیل عناصر اطلاعاتی براساس زمان‌بندی و پاسخ به عناصر داینامیک، متوسط بود. پیشنهاد می‌کنم در حوادث بعدی در مرحله اول آژانس‌های خبری و در مرحله دوم رسانه‌های کاغذی و همه رسانه‌هایی که بر بستر وب حضور دارند، شبکه رابطان خبری خود را به‌عنوان مهم‌ترین قسمت پوشش خبری فعال کنند. خبرنگاران باید در زمان وقوع خبرهای به‌هنگام حضور داشته و با مشاهدات میدانی، عکس و فیلم آن را روایت کنند. اینکه در پوشش‌های خبری هم از نقل‌قول استفاده کنیم، فاجعه است. ما باید این بخش را در رسانه‌های خود جدی بگیریم، با استانداردهای دنیا پیش برویم و روایت خبرنگار را در صحنه تقویت کنیم.

در سطح دوم هم باید تقویت کارشناسی صورت گیرد. دبیر هر سرویس باید به‌عنوان کارشناس و متخصص آن حوزه عمل کند؛ چون هر چقدر رسانه‌ها توان کارشناسی بالاتری داشته باشند، در دو سطح قبلی بیشتر می‌درخشند. علاوه بر این باید این نکته را در نظر بگیریم که ما وارد جهان رباتیک شده‌ایم و حالا روزنامه‌نگاری رباتیک در عمل، بسیاری از موارد این حوزه را به چالش می‌کشد؛ به همین دلیل کارشناس رسانه باید آنقدر قوی عمل کند تا در مواجهه با جهان رباتیک، درست و نادرست را تشخیص دهد. اصل وجود واسطه و رسانه تا سال ۲۰۴۰-۲۰۳۵ با چالش روبه‌رو می‌شود؛ به‌همین دلیل باید این مسائل را جدی بگیریم و رسانه‌ها به این دو پیشنهاد بیشتر دقت و عمل کنند.



خبرسازان



محرومیت ۵۰ درصد نوزادان از شیر مادر

رئیس مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت اعلام کرد سالانه حدود یک‌میلیون نوزاد در کشور متولد می‌شوند اما ۵۰ درصد مادران، نوزادان خود را از شیر مادر محروم می‌کنند. به گزارش ایسنا، صابر جباری با بیان اینکه تغذیه با شیر خشک به یک موضوع رایج تبدیل شده، درباره مرخصی مادران شیرده گفت: «براساس قانون» ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی»، مدت‌زمان مرخصی مادران شیرده ۹ ماه است. همچنین براساس قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مدت‌زمان مرخصی زایمان مادران دارای فرزند دوقلو یا بیشتر، یک‌سال در نظر گرفته شده است.» به گفته او، دسترسی به مهدکودک از چالش‌های تغذیه با شیر مادر به حساب می‌آید: «براساس ماده ۲۲ قانون جوانی جمعیت، دستگاه‌های اجرایی موظفند مهدکودک داشته باشند یا یک مهدکودک را برای کارکنان خود اجاره کنند.»

ادامه از صفحه ۳

از این‌جا به‌بعد آنقدر زنگ پشت زنگ به صدا درمی‌آید که حساب از دست آدم در می‌رود. پس خیال کنید همه آمده‌اند و سر جای‌شان نشسته‌اند. قرار است سر هر سرویس برویم و سلام و علیکی کنیم. وارد تحریریه که می‌شوی، دست‌راست سرویس خبر است. پرسش‌های محسن صالحی خواه رحمت‌صفحه را می‌کشند. پرسا جلسات شورای شهر و مجلس را هم پوشش می‌دهد و هروقت که پایش بیفتند، از پشت صحنه مجلس و شورا حرف می‌زند. محسن هم به همین مقدار کفایت شود که بانمک است. کنار سرویس خبر، سرویس سیاسی است که فقط درباره دیر گروه نوشتیم. پس به سمیه متقی هم سلامی می‌کنم و رد می‌شوم. بعد از آن به میز اقتصاد می‌رویم که رقیه ندایی و علی ایوبی، خبرنگاران و فرزانه طهرانی، دبیر گروه است. فرزانه و علی زن و شوهرند و جزو معدود بچه‌های تحریریه هستند که سرشان در لاک خودشان است و با همه بچه‌ها خوبند. بعد از آن، میز سرویس بین‌الملل است که یکی روح‌الله نخعی مهربان، اما تجسم حقیقی نمک است و دیگری شهاب شهبوساری که برای خودش لابلاند عشوهِ گری است. بعد از آن، گروه اجتماعی است که فقط درباره نسیم سلطان بیگی حرف ن‌زدم و به همین مقدار بسن‌ده می‌کنم که بسیار کنج‌کاو است. روبه‌روی گروه اجتماعی، گروه فرهنگ است که مهسا طاعتی و فرزاد نعمتی خبرنگاران و علی ورامینی دبیر گروه است. دکتر فرزاد از آن لیبرال‌های دوا‌ت‌شه است و مهسا را خیلی نمی‌شناسم. علی هم رفیق گرمابه و گلستان من است اما شما که غریبه نیستید همین چند دقیقه پیش از دست‌اش دلخور شدم و نمی‌توانم آنچه در درونم می‌گذرد را روی کاغذ بیاورم. بعد از گروه فرهنگ، گروه عکس است که ستاره کاظمی عکاس و آرش خاموشی دبیر عکس است. ستاره سخت‌جوش است و خیلی اهل معاشرت نیست. باین همه دل صاف و مهربانی دارد و کمی هم لچ‌در‌آر است. آرش هم آرام است و بیشتر اوقات سرش به کار خودش است و هروقت که اعصابش بابت عکس ستون‌های صفحات خراب شود، به کافه سر کوچه سری می‌زند. قبل از اینکه به صفحه‌آرایی بروم، در طبقه بالا مهرداد خدیر معاون سردبیر را می‌بینم. بدی ماجرا این است که اگر قرار باشد شرح ملاقاتم با مهرداد را بنویسم باید کل ۱۶ صفحه را بنویسم؛ از بس که خوش صحبت و خوش مشرب است. از کنار میز مسئول مالی، داریوش خان صارمی می‌گذرم و به صفحه‌آرایی می‌روم. علیرضا تاجیک، گل سرسبد صفحه‌آرهای مطبوعات ایران، از بس که خوش اخلاق است، به جرأت می‌گویم که هیچ‌کس در تمام روزنامه‌هایی که با علیرضا همکاری بوده، بد اخلاقی‌اش را به چشم ندیده است. حسین غیوری هم که جور بیشتر بچه‌ها را با لطف و مهربانی زیاد می‌کشد. مهدی قربانی تبار، مدیر هنری که صفحه‌یک‌برایش حکم خانه‌آر دارد و همین که به روزنامه می‌رسد، لحاف و تشک‌اش را کنار صفحه پهن می‌کند و خیلی وقت‌ها آنقدر با عکس و صفحه‌وَر می‌رود که از اصل عکس و اصل تیتراهِ چیزی نمی‌ماند. یواش یواش دارم به آخر خط می‌رسم اما قبل‌اش باید درباره بچه‌های آنلاین هم بگویم که با این اوضاع مملکت تقریباً شب‌و‌روزشان یکی شده است. بنابراین به احترام‌شان کلاه از سر برمی‌دارم. شبنم رحمتی، دبیر آنلاین و ترنس کراسچی، شیمایا، علیرضا سرفرازی، سیده‌مهدی غیبی، شیمایادری و حسین غیوری اعضای محترم گروه آنلاین روزنامه هستند.